

هزینه در مالیه عمومی اسلامی

بخش سوم

دکتر بیژن بیدآباد

اشاره

در بخش‌های قبلی این مقاله، ضمن مروری بر اصول هزینه در بودجه دولت اسلام و تشکیلات مالیه، به موضوع عدم‌جواز برخورداری مدیر از ابزار اداری برای نفع شخصی، عدم‌جواز هزینه‌های دستمزد برای انذار و ارشاد و هدایت و تبلیغ، عدم‌جواز تخصیص هزینه به سادات و محدودیت سیاست‌های توزیع مجدد به موارد تامینی، پرداختیم. اینک توجه شما را به ادامه این بحث تحلیلی و جامع جلب می‌کنیم.

بانک و اقتصاد

که میل دارد، آذین ببندد، ولی دولت محق نیست از اموال و منابع دیگران (زکات و سایر مالیات‌ها و درآمدها) در اینگونه امور استفاده نماید. تبلیغ دین، امر به معروف و نهی از منکر نیز مختص صاحبان امر و اجازه است و این افراد هم در این راه مجاز به دریافت حق‌الزحمه نیستند و ذکر آن رفت که رسول خدا(ص) هم نمی‌گرفتند.

از لحاظ اسلام، تجارت بین‌الملل آزاد است

و دولت‌ها نباید ممنوعیت ورود کالا به صورت موانع تجاری تعرفه‌ای یا غیرتعرفه‌ای ایجاد نمایند.

منحصربودن هزینه دولت به واجبات

این اصل بسیار دقیق و حساس می‌باشد و مرز بسیاری از امور سیاستگذاری را مشخص می‌کند. منظور از واجبات اموری هستند که شریعت اسلام آنها را موکداً لازم دانسته و محرمات هم آن دسته از اعمال می‌باشند که اجازه عمل به آنها داده نشده است. برای مثال، مسایل تامین اجتماعی از واجباتی است که دولت موظف به انجام آنهاست، ولی مجوزی برای هزینه چراغانی میلاد نور چشم همه مسلمانان رسول اکرم(ص) یا سایر اعیاد و یا سیاه‌بندان در عزاداری‌ها در دولت اسلام وجود ندارد. هر فرد آزاد است که آنگونه

در امور حرام به طریق اولی هزینه‌کردن ممنوع است، مثلاً نمی‌توان برای گردش بهتر امور رشوه در نظر گرفت و آن را جزو هزینه‌های جاری احتساب نمود. گرچه برخی از فقها در پرداخت رشوه برای احقاق حق مجوز داده‌اند، ولی موضوع فوق تشابه آرمانی از لحاظ هدف مساله ندارد، یا مثلاً نمی‌توان هزینه‌های ازدواج ماموران دولتی (در ماموریت‌های نزدیک یا دور) را به احتساب رفاه حال آنان قانونی و مشروع

دانست، یا نمی‌توان مهمانی‌های تشریفاتی داد، یا نمی‌توان ساختمان‌های زیبا و لوکس برای دستگاه‌های دولتی ساخت. البته تعریف لوکس موضوعی منوط به عرف جامعه است، ولی به‌هرحال، صرف هزینه باید در جهت حساسیت و جوب آن باشد. باید متوجه بود که عشر درآمد ناشی از زکات زارع، به درآمد دولت اسلام مبدل شده است. آیا انصاف است که حاصل زحمت زیر آفتاب یک کشاورز تبدیل به اتومبیل سواری آخرین مدل آقای مدیری شود که وظیفه‌اش نوکری همان زارع است؟

موارد مثال در این باب بسیار است، مثلاً بسیاری از هزینه‌های رفاهی پرسنل دولت از محل منابع عمومی اشکال دارد و اگر قرار بود، بایست رسول خدا(ص) و امیر مومنان(ع) از این محل وجوهی را لااقل برای خود و عاملان دولتی هزینه می‌کردند که در تاریخ چیزی در این باب ثبت نشده است. مسلماً حقوق کارمندان دولتی جدا از هزینه رفاهی آنان است و بایست حقوق ایشان را به نحو مقتضی مبتنی بر ارزش بازدهی آنان پرداخت، ولی هزینه‌کردن برای مسایل رفاهی آنان جای بسی اشکال است. بهترین راه در این باب این است که شفافیت حقوق و دستمزد رعایت شود و هرگونه پرداختی به آنان در قالب حقوق و

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاثْقُوا بِاللَّهِ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ^(۷۸). در این باب بسیاری از عملیات مالی و سیاستگذاری‌های دولت را می‌بینیم که حقوق دیگران را تحریم و ممنوع می‌کند و خود اقدام به هزینه در آن باره می‌نماید. اینگونه اعمال سیاستگذاری برطبق آیه شریفه فوق جواز شرعی ندارد. در همین باب در آیه دیگری می‌فرماید: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ^(۷۹). معنی صریح این آیه این است که خداوند می‌فرماید خلق مهمان من هستند و هیچکس حق ندارد محدودیتی برای میهمان من در آن چیزهایی که پاک قرار داده‌ام، ایجاد نماید. به استناد همین آیات، می‌توان بسیاری از مواردی را که در قوانین موضوعه درج است، مورد انتقاد قرار داد، زیرا براساس این آیات، نمی‌توان اقدام به تحدید حقوق افراد نمود. مثال‌های زیادی در این باب می‌توان ذکر کرد که حتی گمرکات کشور را نیز دربرمی‌گیرد، یعنی ممنوعیت ورود کالا با استناد به این آیه دچار تردید است.

نگرش اسلام به مخلوقات و انسان‌ها بر روی زمین بر این اصل استوار است که همه آنها میهمان خداوند و کسی محق نیست - جز به لازم و نادر - سلب حقوق از میهمان نماید، بلکه باید در جهت پذیرایی بهتر از میهمان حرکت کرد. آیات فوق هر دو دلالت دارند بر این که اگر شرط پاکی (از همه جهات) وجود داشته باشد، دولت در شرایط متعارف جواز منع آنها را ندارد و از لحاظ مباحث مالیه مجاز به هزینه در کنترل و جلوگیری از آنها نیز نیست. اگر در این بحث بیشتر دقیق شویم، می‌توانیم استنباط کنیم که از لحاظ اسلام، تجارت بین‌الملل آزاد است و دولت‌ها نباید ممنوعیت ورود کالا به صورت موانع تجاری - اعم از تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای - ایجاد نمایند. البته بحث تعرفه تا حدودی قابل‌بحث است: تعرفه ورود را ممنوع نمی‌کند، بلکه واردات کالا را گران می‌کند که خود گران‌کردن کالاها ظلم به مصرف‌کننده تلقی می‌شود و مغایر این آیه است که می‌فرماید: فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا فَأَدْبُوا بَحْرَبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ^(۸۰). براساس این آیه که در مورد ترک اخذ ربا است، می‌فرماید اگر مازاد نگیرید و از آن صرف‌نظر کنید، نه ظلم کرده‌اید و نه مورد ظلم واقع شده‌اید، یعنی فروش یک کالا یا خدمت بیش از ارزش

که براساس آیه ۵۹ سوره نسا که می‌فرماید: أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^(۷۵) هر عمل تشریعی که بالطبع مباح باشد، می‌تواند مورد حکم ولی امر قرار گیرد که از طرف خدا برای ولایت بر مردم مجاز شده باشد. از این رو، ولی خدا مجاز است که اقدامی را واجب یا ممنوع نماید. وی اضافه می‌نماید که افعال ممنوع مثلاً ربا قابل‌تغییر نیست. به‌هرحال، این موضوع زمینه بحث جدیدی را در موارد هزینه دارد و آن اولاً، اهمیت تاکید بر اولی‌الامر است و دوم این که، اگر اولی‌الامر نماینده خدا و رسول در روی زمین باشد، مفسر قرآن و احکام الهی است و مسلماً او بهتر از هر کس قطعیت احکام خدا را می‌داند. پس باید مطیع فرمان و نظر مبارکش باشیم، و مسلم است که او امیر سگ و خوک نفس خویش نیست که بخواهد با اجرای سیاست‌های اقتصادی، نفسانیت خود را رزق دهد، بلکه او مرزنشین عالم وجوب و امکان است و با دستی از آن عالم می‌گیرد و با دستی به این عالم می‌رساند. شرح این شخصیت در نوشته‌های آیت‌الله خمینی تحت‌عنوان "عالم بالله و بامرالله" آمده است^(۷۶).

آیا انصاف است که حاصل زحمت زیر آفتاب یک کشاورز، تبدیل به اتومبیل سواری آخرین مدل آقای مدیری شود که وظیفه‌اش نوکری همان زارع است؟

انجام هزینه و سرمایه‌گذاری و یا خریدوفروش بسیاری از کالاها در شرع انور حرام است و نمی‌توان برای این اقدامات هزینه نمود، مثلاً خمر حرام است و سرمایه‌گذاری برای تولید خمر و فروش آن به خارج از کشور مجاز نیست و یا به دلیل این که مصرف مواد مخدر حرام است^(۷۷)، دولت اسلام مجاز نیست که جهت انتقال مواد مخدر به کشور دیگر یا فروش آن، حتی به غیرمسلمانان، سرمایه‌گذاری و هزینه نماید. اخذ ربا و اکل اموال مردم به باطل - چه در داخل کشور و چه در خارج کشور - حرام است و دولت اسلام مجاز به سرمایه‌گذاری و یا صرف هزینه در این موارد یا موارد مشابه نیست. برعکس این قضیه، دولت اسلام مجاز به تحریم فعالیت‌های مباح نیست و فقط در حیطه چارچوب شریعت اسلام مجاز به تقنین است که فرمود: یا

دستمزد صورت گیرد و نه به صورت غیرمستقیم و از طریق اعطای امتیازات رفاهی و غیره. به طریق اولی، انداختن سرفه‌های مهمانی دولتی برای کارمندان جواز ندارد، ولی برای نیازمندان تجویز شده است.

این موضوعات و بسیاری موارد مشابه دیگر، قلمرو هزینه‌های دولت را مشخص می‌نمایند و می‌توان تا تدوین دستورالعمل اجرایی در این باب، به ریز موضوعات نیز وارد شد. کلیت این موضوع در این است که حکومت اسلام حق ندارد برای تحقق هدف، به هر وسیله‌ای متوسل شود، یعنی هدف وسیله را توجیه نمی‌نماید. مروی از امیرمومنان(ع) است که فرمود: والله که من از معاویه حيله‌دان‌ترم، ولی عقل به من اجازه استفاده از مکر را نمی‌دهد، یعنی من مقید به چارچوب شریعت هستم، وگرنه می‌توانستم برای حصول هدف خود به هر وسیله‌ای روی آورم.

قرآن کریم می‌فرماید: وَ آتِ ذَالْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا. إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا. وَإِنَّمَا تُعْرِضُ عَنْهُمْ أِنْبِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيُّسُورًا. وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا. إِنَّ رَبِّكَ يَبْصِيرٌ^(۷۳) این دستور کلی عقلی است و تشخیص تبذیر در درجه اول با ولی امر است و حدود عرفی نیز مبین آن است. برای مثال، در زمانی گج‌زدن به دیوار (معروف به سفیدکردن) در ایران مختص به اعیان و متمولان بود، ولی در زمان فعلی، این کار از لوازم بهداشت و الزامات معماری و از حداقل‌ها می‌باشد.

کلیه هزینه‌های عمرانی نیز در این مقوله قابل بررسی می‌باشند. طیف هزینه‌های عمرانی بسیار وسیع است و معیارهای فوق که منطبق با معیار عقل است، می‌تواند در اتخاذ تصمیم درباره مشروعیت این اقدامات عمرانی رهنمون باشد، زیرا در اصل حکمت تشریح بسیاری از قوانین و رهانمودن و مباح‌گذاشتن بسیاری دیگر از موضوعات به علت همین موضوع بوده که حرمت یا وجوب احکام جزئی در ازمینه و امکانه مختلف، متفاوت است. لذا در همه موضوعات تشریح نفرمود و اتخاذ تصمیم درباره آنها را به عقل سلیم ولی خدا منوط فرمود که با رعایت حال مردم و شرایط مختلف، بهترین مصلحت موردنظر خدا را مرعی فرماید.

محمد باقر صدر^(۷۴) در این باب بر این نظر است

محدودیت هزینه‌های انتخابات

در اسلام مبنای اساسی بر انتصاب است و انتخابات به آن شکل که در کشورهای فعلی مشاهده می‌شود، تعریف نشده است. به عبارت دیگر، در هر زمانی ولی حی افرادی را به سمت‌هایی نصب می‌نماید و یا به دیگران اجازه می‌دهد که به این مهم اقدام نمایند. حدیث مشهور فرمایش حضرت امیر(ع) به شریح قاضی این موضوع را تصریح می‌نماید که فرمود: ای شریح، در مستندی که تو بر آن تکیه زدی، یا نبی یا وصی نبی و یا شقی می‌نشیند^(۸۴)، یعنی اگر نبی ننشست، باید الا و لابد فردی متمکن این مقام شود که مجاز از طرف حضرت باشد و به این دلیل وصی نبی فرمود. در حدیث دیگری می‌فرماید: از حکومت‌کردن بترس که حکومت نیست جز برای نبی یا وصی نبی، امام عالم به قضاوت و عادل در مسلمین^(۸۵).

برخی دیگر مهاجمان همخوان باشد. وقتی مغول (یا مهاجم دیگر) به ایران حمله کرد، دستور داد تمام کتاب‌ها و کتابخانه‌ها را بسوزانند. استدلالش هم این بود که هیچ تروخسکی نیست که در قرآن نباشد^(۸۷). پس نیاز به کتاب‌های دیگر نیست و احتیاج به هیچ قاعده و قانونی جز قرآن نیست. امتداد این تفسیر متحجرانه از قرآن کریم، به معنی این است که دیگر نیازی به قوانین و مقررات و قانونگذاری تکمیلی نیست. پرواضح است که این تعبیر و تفسیر به‌رأی است و مَن فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتْبُوا مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ^(۸۸) وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ^(۸۹). با ترقی و تکامل و افزایش پیچیدگی‌های جامعه بشری، همواره قواعد و قوانین و مرزها و حدود روابط بین افراد در کلیه مسایل اقتصادی و اجتماعی - اعم از داخلی یا بین‌المللی - نیز مستلزم تبیین و ترقی هستند. رشته حقوق در ادامه تحلیل مسایل اجتماعی است و با

مال در بازار، به مفهوم ظلم‌کردن به یکی و مورد ظلم واقع‌شدن طرف دیگر معامله است.

گفتنی است که این نظریه یکی از آمال اقتصاددانان بین‌الملل است که در تاریخچه تشکیل سازمان‌های ITO^(۸۱) و GATT^(۸۲) و WTO^(۸۳) به وضوح ملاحظه می‌شود که کشورهای بسیاری برای حصول شرایط لازم برای آزادی تجارت که می‌تواند باعث ثبات اقتصاد جهان و جلوگیری از رشد نابرابر آنها شود و از رفاه جهان جلوگیری می‌کند، تلاش بسیاری نموده‌اند و در حصول این هدف برای افزایش بازدهی و تخصیص بین‌المللی عوامل تولید قدم‌های عمده‌ای را در حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه برداشته‌اند. مسلم است که اگر تعرفه‌ها را نیز به عنوان قدمی برای تحریم نسبی ورود کالاها بدانیم، علی‌القاعده آیات فوق مؤید حذف تعرفه‌ها نیز خواهد شد.

ممنوعیت صرف هزینه در معاملات حرام

این مبحث شامل موارد بسیاری از کالاها و خدمات می‌شود که دولت اسلام مجاز به ورود به خرید و فروش یا واسطه‌گری یا حمل‌ونقل و ترانزیت یا هرگونه استعانت در معاملات کالاها یا خدمات حرام نمی‌باشد. برای مثال، شبکه‌های مختلف مافیایی در حال حاضر در جهان پر اکنده‌اند که اقدام به قوادی یا خریدوفروش خمر یا تاسیس مراکز قمارخانه‌ای و بسیاری موارد مشابه می‌کنند که در شرع اسلام ممنوع است. دولت اسلام مجاز نیست که در زمینه اینگونه معاملات هزینه‌ای را حتی به صورت سرمایه‌گذاری که عین به‌علاوه بازده آن برمی‌گردد، تخصیص دهد. این ممنوعیت تا آنجا پیش می‌رود که حتی نباید در معاملاتی شرکت کند که برای ابنای بشر مضر باشد. برای مثال، دولت اسلام می‌تواند برای خود اسلحه خریداری نماید، ولی جواز ندارد تا برای تامین تسلیحات کشورهای دیگر قدمی بردارد. لذا فروش اسلحه برای دولت اسلام ممنوع است. یکی از موارد حاد و مهم این مبحث، خریدوفروش مواد مخدر یا دریافت هزینه نقل‌وانتقال و ترانزیت آن می‌باشد. چون مصرف مواد مخدر در اسلام حرام شده است و حرمت آن از خمر بسیار شدیدتر است، لذا دولت اسلام مجاز نیست که در این فعالیت شرکت کند، بلکه موظف است هزینه کند تا این معاملات صورت نگیرد، یا خاک کشور اسلام محل عبور آن نشود.

② دولت اسلام می‌تواند برای خود اسلحه خریداری نماید، ولی جواز ندارد تا برای تامین تسلیحات کشورهای دیگر قدمی بردارد.

یافتن وجدان به این سو و آنسو می‌گردد تا راهی یابد که منفعت جامعه در قسط و عدل برآورده شود و حق پایمال نگردد. مسلم است که حقوق اسلام نیز در همین راستا درحال گسترش و بسط خواهد بود. پس مرجعی برای این قانونگذاری بایست وجود داشته باشد. حال سوال اصلی این است که آیا این مرجع که وظیفه قانونگذاری دارد، باید به صورت روش انتخاباتی مانند پارلمانتاریسم متعارف دنیا باشد، یا باید مجمعی انتصابی باشد؟ بحث در این موضوع خیلی مهم است و شاید خارج از حوصله این مقاله

به‌رحال، انتخابات به شکل پارلمانتاریسم در حکومت اسلام تعریف نشده است و لذا مسلماً هزینه‌های انتخاباتی نیز تعریف نشده‌اند. این موضوع مساله ساده و کوچکی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت، زیرا اساس پارلمانتاریسم در حکومت‌هایی که در دنیای امروز از آن صحبت به‌میان می‌آید، ابزاری برای میل به سمت کنترل و تعادل قوا در مدیریت جامعه است که شرح تفصیل آن را منتسکیو^(۸۶) در توازن قوا بیان و مطرح می‌سازد. به‌رحال، قانونگذاری پدیده‌ای نیست که با استدلال مغول‌ها یا

باشد، ولی به علت اهمیت آن به نکاتی درباره ابعاد این موضوع اشاره می‌کنیم.

هدف از انتخابات این است که به نحوی مردم در تعیین سرنوشت خود شریک شوند. حال این سوال پیش می‌آید که آیا با چنین روشی، شراکت در تعیین سرنوشت نصیب مردم می‌شود؟ اگر مردم بسیار هوشیار و آگاه باشند، نتیجه انتخابات به انتخاب نمایندگان خواهد انجامید که می‌توانند صادق هم نباشند، یا حتی ممکن است براساس نظریه الیگارشوی آهنین روبرتو میشل^(۹۰)، قبل از انتخابات، کاندیداها بسیار توده‌ای و هوادار منافع توده مردم باشند، ولی پس از انتخاب شدن، از منافع جدید طبقه‌ای که در آن قرار می‌گیرند، حمایت کنند و منافع کسانی را که آنها را انتخاب کرده‌اند، فراموش کنند. به هر حال، تضمینی نیست که انتخاب‌شوندگان مردم به نفع مردم قدم بردارند. از طرف دیگر، اگر مردم ناآگاه باشند که اکثریت همواره اینگونه‌اند و فرمود: أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^(۹۱) و أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ^(۹۲) و أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ^(۹۳) و أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ^(۹۴)، در این صورت، حکومت دموکراسی^(۹۵) به حکومت موبوکراسی^(۹۶) تبدیل می‌شود که دیگر هیچ تضمینی به مشارکت مردم در تعیین جهت‌گیری‌های سیاسی وجود نخواهد داشت، زیرا زیرکان سیاس به راحتی توده مردم را گول می‌زنند و از خرافات و ناآگاهی‌های آنها استفاده کرده و روشی را می‌تراشند تا بر اریکه قدرت تکیه‌زندان و جلب منافع خود و گروه یا طبقه‌ای را که به آن تعلق دارند، بنمایند. همانطور که فرمود: وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا^(۹۷). در این حالت است که حکومت به موبوکراسی^(۹۸) یا مشابه آن تبدیل می‌شود. از طرف دیگر، دانی عالی را نمی‌شناسد، ولی عکس آن صادق است، یعنی عالی اشتباه دانی را می‌داند و مشکلش را می‌فهمد و او را می‌شناسد و در این باب در منطق گفته می‌شود که معرف باید اعلی و اجلی از معرف باشد. در غیر اینصورت، خطا در پیش است. لذا این موضوع به این مساله تبدیل می‌شود که در حکومت اسلامی باید اعلی و اعلم دیگران را نصب کند و این اعلی و اعلم حجت‌العصر و الزمان است و نه دیگری. در اسلام نیز دیده نشده که انتخابات مبنای قوه مقننه باشد. این موضوع در فقه شیعه در باب اجماع مطرح است و اجماع نیز در فقه شیعه حجیت ندارد. اگر این موضوع را بپذیریم، بایست به طور کلی قبول کنیم که در زمان

غیبت آل محمد(ص) حکومت اسلامی مصداق عینی نمی‌پذیرد، چون اعلم و اعلی در غیبت است.

حال سوال این خواهد بود که موارد فرعی قانونگذاری از چه مأخذی بایست صادر شود تا خلأ قانونگذاری در حکومت اسلامی پر شود؟ مسلم است که حرام محمد(ص) حرام است تا روز قیامت و حلال او حلال است تا روز قیامت^(۹۹) و او مرز حرمت و حرمت را در احکام کلی مشخص کرده و روح قرآن نیز جهت تقنین را مشخص ساخته است. از طرفی، وسعت فقه شیعه به بسیاری از مسایل جزئی نیز تسری یافته و پویایی آن قابلیت حل و فصل مقولات جدید را دارد و این پویایی اگر مبتنی بر روح قرآن باشد، قابلیت انطباق با صحت نیز خواهد داشت. از طرف دیگر، در حکومت اسلامی این انطباق باید زیر نظر ولی منصوص خدا باشد و نه منتخب مردم یا منتخب سقیفه.

بسیاری از هزینه‌های رفاهی پرسنل دولت از محل منابع عمومی، اشکال دارد.

پس ارگانی باید وظیفه تقنین را داشته باشد. این ارگان علی‌القاعده حکومت دینی نباید انتخابی باشد، بلکه باید انتصابی باشد. این نوع حکومت، حکومت اتوتاریتر یا توتالیتیر نیست، بلکه حکومت خدا توسط خلیفه او بر روی زمین است و نه غیر او. اگر قرار بود که اجماع مردم یا نمایندگان آنها در پارلمان مصلحت جامعه را درمی‌یافت، پس چه نیاز به ارسال رُشَل از سوی حق تعالی شانه بود؟! بلکه جعل خلیفه الهی بر روی زمین به مصداق اِنِّي جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ خَلِيفَةً^(۱۰۰) با حفظ مقام ولایت کلیه، توانایی و استحقاق ولایت حکومتی را هم خواهد داشت. همانطور که عمر (رضی الله عنه) به اویس قرن عرض کرد: دعا فرما که این بار سنگین حکومت را به مقصد برم. اویس فرمود: این بار برای تو سنگین است، بر زمین بگذار، صاحب آن (اشاره به علی ع) آن را برمی‌دارد و از عهده‌اش برمی‌آید.

به هر تقدیر، تقنین در اسلام منطبق با پارلمانتاریسم غربی نیست. برتری‌جویی انتخاباتی تحت عنوان رقابت نامزدها و کاندیداها، انتخاباتی نیز در اسلام تأیید نشده است و می‌فرماید: تَلَك الدَّارُ الْاَجْرَةَ تَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْاَرْضِ و لا

فَسَادًا و الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^(۱۰۱) و لذا تفوق کاندیداها بر یکدیگر تأیید نمی‌شود و تنها راه انتخاباتی مشروع که در تاریخ ادیان دیده شده، رویه حضرت موسی(ع) بود که مردم را مجاز فرمود که از بین خود افرادی را انتخاب کنند و منتخبان باز از بین خود افرادی را انتخاب نمایند و با منتخبان جدید از بین خود افرادی را انتخاب کنند تا شورایی به حدنصاب تشکیل شود. این شورا نیز فقط برای اجماع آرای ملت در امور مباحه فرعیه قابلیت دارد.

به هر حال، هزینه‌های دولت در این مسایل از لحاظ شرعی منحصر به عاملین علیها در تقنین می‌شود و هزینه‌های دیگر را نمی‌پوشاند، مثلاً نمی‌توان از محل بودجه دولت، مبارزات انتخاباتی راه انداخت و تبلیغ افراد نمود. ■

ادامه دارد

زیر نویس‌ها

(۷۳) سوره اسرا / آیات ۳۰-۲۶: و به نزدیکان و مساکین و راه‌ماندگان حق آنها را بده و به نوعی تذبذب نکنی که همانا تذبذب‌کنندگان نظایر شیطانند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود. و اگر به انتظار گشایشی از جانب پروردگارت امید می‌داری، از آنها اعراض می‌کنی. پس با آنها به نرمی سخن بگوی. نه دست خویش از روی خست به گردن ببند و نه به سخاوت یکباره بگشای که در هر دو حال ملامت زده و حسرت‌خورده بنشین. پروردگار تو در رزق هر کس که بخواهد گشایش می‌دهد، یا تنگ می‌گیرد، زیرا او به بندگانش آگاه و بیناست.

(۷۴) اقتصادنا / صفحات ۳۳۵-۳۳۲.

(۷۵) سوره نساء / آیه ۵۹: ای کسانی که ایمان دارید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و صاحبان امر از میان خودتان را.

(۷۶) می‌نویسند: «یکی از محققان با توضیحی از ما فرموده است که دانشمندان بر سه قسمند: یک قسم دانشمندی که دانش آنان در رابطه با شناخت خدای تعالی و اوصاف جلال اوست، ولی نسبت به اوامر حضرت حق تعالی علمی ندارند. اینان کسانی هستند که معرفت خدای تعالی بر دل‌های آنان مستولی شده و غرق در مشاهده انوار جلال کبریا و تجلیات جمال آن حضرتند. اینان را فراغتی که بتوانند به علم احکام بپردازند، نیست و از علم احکام به مقدار ضرورت خودشان فرامی‌گیرند و بقیه اوقات را به حضور و مشاهده می‌گذرانند. این طایفه را «عالم بالله و غیرعالم بامرالله» می‌خوانیم. قسم دوم کسانی هستند که احکام الهی و اوامر و نواهی او را نیکو فرا گرفته‌اند و حلال و حرام شریعت و دقائق احکام آن را فرا گرفته‌اند، ولی از اسرار جلال الهی و انوار جمال و تجلیات اسما و صفات بی‌اطلاع هستند و نمی‌دانند خدا چیست. این طایفه را «عالم بامرالله و غیرعالم بالله» می‌نامند. قسم سوم دانشمندی

هستند که از هر دو علم بهره‌مندند. اینان در مرز مشترک جهان معقول و عالم محسوسات نشسته‌اند. گاهی با جذب به حب متوجه آن سوی مرز می‌شوند و در حضرت ربوبی به مشاهده جمال و جلال می‌پردازند؛ گاهی با انگیزه شفقت و رحمت در این سوی مرز با خلق خدا هستند و پیام‌های برون‌مرزی را در اختیار بندگان خدا قرار می‌دهند، و این اشخاص را گاهی «مثیت‌الله» می‌نامند. وقتی از محضر الهی بازگشتند، در میان خلق خدا هستند و آنچنان با آنان درمی‌آمیزند که گویی خدا را نمی‌شناسند و وقتی با پروردگار خود به خلوت می‌نشینند و به یاد او و در خدمت او باشند، گویی از همه جهان و جهانیان بریده‌اند و هیچکس دیگر را نمی‌شناسند. این است راه مرسلین و صدیقین.

در روایتی نیز که از رسول خدا(ص) نقل شده است، به سه گروه اشاره شده است: سائل‌العلما و خالط‌الحکما و جالس‌الکبرا. هر یک از این سه گروه را نشانه‌هایی است که به وسیله آن نشانه‌ها می‌توان آنان را شناخت. اما عالم بامرالله چه بسا که زیانش مترنم به ذکر خداست، اما دلش از یاد خدا غافل است. از خلق خدا می‌ترسد، ولی از پروردگار نمی‌ترسد. در صورت ظاهر، از مردم شرم‌منده می‌شود و حیا می‌کند، ولی در باطن و خلوت از خدای تعالی شرم و حیا ندارد. اما عالم بالله ذاکر است، اما اگر زیانش به ذکر خدا مشغول است، دل نیز همراه به یاد اوست، نه آن که تنها زبان به ذکر و دل غافل باشد. خایف است، اما اگر خوف دارد، از آن است که مبدا امیدش بدل به نومیدی شود، نه آن که خوف معصیت و سرکشی در وجود او باشد. عالم بالله حیا می‌کند، اما حیا و شرم او نه حیا و شرم از کارهایی است که در ظاهر انجام می‌دهد، بلکه حیا می‌کند از خطراتی که چه بسا بر دل او راه می‌یابد. عالم بالله دائماً ترسان است، اما عالم بالله و بامرالله را شش نشان است. سه نشان همان نشانه‌هایی است که برای عالم بالله گفته شد، یعنی ذاکر و خایف و مستحیی بودن و سه علامت دیگر مخصوص خودش می‌باشد: اول آنکه، در حد مشترک میان عالم غیب و جهان شهادت می‌نشیند؛ دوم آنکه، مرئی مسلمانان می‌شود؛ سوم آنکه، گروه اول و دوم از علما به او نیازمندند. پس او همانند خورشید است و عالم بالله مانند ماه است که گاهی بدر و گاهی هلال است و به قول عارف شیراز:

بنده پیر خراباتم که لطفش دایم است
ورنه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست

اما عالم بالله همچون چراغی است که خود می‌سوزد و دیگران از نور او بهره‌مند می‌شوند. «تعلیم و تعلم از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی / ترجمه احمد فهری / مرکز نشر فرهنگی رجاء / چاپ سوم / مهر ۱۳۶۳ / صفحه ۱۷».

(۷۷) اولین کسی که به حرمت استعمال مواد مخدر فتوا داد، حضرت حاج ملاسلطانمحمدسلطانعلیشاه گنابادی، صاحب تفسیر بیان‌السعادة فی مقامات العبادة بود که در تفسیر مزبور در ذیل آیه ۹۰ سوره مائده: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَلْزَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. استعمال این مواد را حرام اعلام می‌نمایند. پس از ایشان، حضرت حاج ملاعلی نورعلیشاه گنابادی با تحریر کتاب ذوالفقار در تحریم استعمال تریاک و چرس و بنگ و افیون و سایر مواد مشابه و با ذکر ادله مختلف شرعی، حرمت استعمال مواد مخدر را تأکید می‌نمایند. آیت‌الله خمینی نیز در تحریرالوسیله (ج ۲، ص ۱۶۳) فتوا می‌دهند که مصرف آنچه برای بدن زیان دارد، حرام است.

(۷۸) سوره مائده / آیات ۸۸-۸۷: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آنچه را که خداوند بر شما حلال کرده است، حرام نکنید و تجاوز ننمایید و همانا خداوند تجاوزکنندگان را دوست ندارد. و بخورید (مصرف کنید) از آنچه خداوند برای شما حلال و پاک قرار داد و بترسید از خدای که به او ایمان دارید.

(۷۹) سوره اعراف / آیه ۳۲: بگو چه کسی زینت الهی (کالاها) و روزی‌های پاکیزه را که او برای بندگان خود خارج ساخته، بر شما حرام کرده است؟

(۸۰) سوره بقره / آیه ۲۷۹: اگر چنین نکنید، پس اعلام جنگ با خدا و رسولش کرده‌اید و اگر توبه نکنید، پس اصل مال برای شما خواهد بود، و نه ظلم می‌کنید و نه مورد ظلم واقع می‌شوید.

81) International Trade Organization,
82) General Agreement on Tariff and Trade.

83) World Trade Organization.

(۸۴) الکافی / ج ۷ / ۴۰۶ / باب أن الحكومة إنما هي للامام ع...

(۸۵) الکافی / ج ۷ / ص ۴۰۶ / کتاب القضاء والأحكام،
باب أن الحكومة إنما هي للامام ع...

(۸۶) روح‌القوانین.

(۸۷) سوره انعام / آیه ۵۹: وَلَا تَطْبُؤْ وَلَا يَأْسِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. البته وی مفهوم کتاب را قرآن گمان کرده بود، در صورتی که وجود انسان کامل در هر زمانی کتاب مبیین است که فرمود: و تحسب أنك جرم صغير و فيك انطوى العالم الأكبر و أنت الكتاب المبين الذي بأ حرفه يظهرالمضمرة (دیوان الامام علی (ع) / ۱۷۵ / بیان جامعیت حقیقت انسانی).

(۸۸) عوالی اللکلی / ۴ / ۱۰۴ / الجملة الثانية في الأحاديث المتعلقة، ۱۵۴: کسی که قرآن را مطابق رای و فکر خود تفسیر کند، نشیمنگاه او در جهنم پر از آتش است. بحارالانوار / ۳۰، ۵۱۲ / ص: ۵۰۶؛ بحارالانوار / ۸۹، ۱۱۱ / باب ۱۰ / تفسیر القرآن بالرأی و تغییر... ۲۰- منیة‌المیرید.

(۸۹) سوره آل عمران / آیه ۷: تأویل آن را جز خدا نداند.

(۹۰) نگاه کنید به دوروزه، موریس / ۱۳۵۶ / جامعه‌شناسی سیاسی / دانشگاه تهران.

(۹۱) سوره سبا / آیه ۲۸ و سوره اعراف / آیه ۱۸۷: اکثر مردم نمی‌دانند.

(۹۲) سوره یونس / آیه ۵۵: اکثرشان نمی‌دانند.

(۹۳) سوره حجرات / آیه ۴: اکثرشان تعقل نمی‌کنند.

(۹۴) سوره انعام / آیه ۱۱۱: اکثرراً جاهلند.

95) Democracy.
96) Mobocracy.

(۹۷) سوره یونس / آیه ۳۶: و اکثر ایشان تبعیت نمی‌کنند جز از گمان و همانا که گمان بسنده از حق نمی‌کند.

در سوره نجم / آیه ۲۸ نیز همین عبارت را اینطور می‌فرماید: إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا، یعنی همانا تبعیت نمی‌کنند جز از گمان و همانا که گمان بسنده از حق نمی‌کند.

98) Monocracy.
(۹۹) الکافی / ۱، ۵۸ / باب‌البدع و الرأى والمقاييس...
(۱۰۰) سوره بقره / آیه ۳۰: من هر لحظه قراردهنده یک خلیفه بر روی زمین هستم.

(۱۰۱) سوره قصص / آیه ۸۳: این سرای آخرت را از آن کسانی قرار داده‌ایم که در زمین خواهان برتری‌جویی و فساد نباشند و سرانجام برای پرهیزکاران است.

نشانی پست الکترونیکی مجله بانک و اقتصاد:

bankvaeghtesad@yahoo.com